



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

REUTERS

## درخواست پکن از تهران درباره حوثی‌ها

چهار منبع ایرانی و یک دیپلمات آگاه گفته‌اند که مقامات چینی از هم‌تایان ایرانی خود خواسته‌اند تا در مهار حملات حوثی‌ها به دریای سرخ کمک کنند، در غیر این صورت شرایط در دریای سرخ ممکن است به روابط تجاری ایران با پکن آسیب برساند. منابع ایرانی گفته‌اند که بحث در مورد حملات و تجارت بین چین و ایران در چندین نشست اخیر در پکن و تهران انجام شده است اما از ارائه جزئیات درباره زمان وقوع آنها یا شرکت‌کنندگان در این جلسات خودداری کردند. یکی از مقامات ایرانی در گفت‌وگو با رویترز به شرط ناشناس ماندن گفته است: «اساساً چین می‌گوید اگر به هر طریقی به منافع ما آسیب وارد شود، بر تجارت ما با تهران تأثیر می‌گذارد. بنابراین به حوثی‌ها بگویید خوب‌ترن‌دار باشند.» حملاتی که به گفته حوثی‌ها در حمایت از فلسطینی‌های غزه انجام می‌شود، هزینه حمل و نقل و بیمه کشتیرانی بین‌المللی را با ایجاد اختلال در مسیر تجاری کلیدی بین آسیا و اروپا که به‌طور گسترده توسط کشتی‌های چینی استفاده می‌شود، افزایش داده است. چهار منبع ایرانی گفتند، با این حال، مقامات چینی هیچ اظهارنظر یا تهدید خاصی در مورد اینکه چگونه روابط تجاری پکن با ایران ممکن است تحت تأثیر حملات حوثی‌ها قرار گیرد، مطرح نکرده‌اند. منابع ایرانی گفته‌اند که پکن به صراحت اعلام کرده که اگر کشتی‌های مرتبط با چین ضربه بخورد یا منافع این کشور به هر نحوی تحت تأثیر قرار گیرد، از تهران بسیار ناامید خواهد شد. وزارت امور خارجه چین در پاسخ به سوالات درباره دیدار با ایران برای گفت‌وگو دربار حملات در دریای سرخ گفت: «چین دوست صمیمی کشورهای خاورمیانه است و متعهد به ارتقای امنیت و ثبات منطقه بوده و به دنبال توسعه و شکوفایی مشترک است. ما قویاً از کشورهای خاورمیانه در تقویت استقلال استراتژیک خود و اتحاد و همکاری برای حل مسائل امنیتی منطقه حمایت می‌کنیم.» حملات نظامی نیروهای آمریکایی و بریتانیایی به اهداف حوثی در یمن در این ماه نتوانسته حملات به این گروه را به کشتی‌ها متوقف کند. یک مقام ارشد آمریکایی گفت که واشنگتن از چین خواسته است تا از اهرم فشار خود در رابطه با ایران برای متقاعد کردن تهران برای مهار حوثی‌ها استفاده کند. آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه و جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی این ماه با لیبو جیان چائو، مقام ارشد حزب کمونیست چین دیدار داشتند. یک مقام ارشد ایرانی گفت در حالی که مقامات چینی نگرانی‌های خود را به‌طور کامل در این دیدارها مورد بحث قرار دادند، هرگز به درخواست واشنگتن اشاره نکرده‌اند. در ۱۴ ژانویه، وانگ یی، وزیر امور خارجه چین، خواستار توقف حملات به کشتی‌های غیرنظامی در دریای سرخ و حفظ زنجیره تأمین و نظم تجارت بین‌المللی شد. ویکتور گائو، استاد کرسی دانشگاه سوچو چین، می‌گوید که چین به‌عنوان بزرگترین کشور تجاری جهان، به‌طور نامتناسبی تحت تأثیر اختلال کشتیرانی در دریای سرخ قرار گرفته و بازگرداندن ثبات در دریای سرخ در اولویت قرار دارد. گائو، دیپلمات سابق چینی و مشاور غول نفتی عربستان سعودی آرامکو، می‌گوید که پکن رفتار اسرائیل با فلسطینی‌ها را عامل اصلی بحران دریای سرخ می‌داند و نمی‌خواهد علناً حوثی‌ها را سرزنش کند. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در پاسخ به سوالات درباره گفت‌وگوهای دوجانبه ایران و چین در مورد این موضوع از اظهارنظر خودداری کرد. یک دیپلمات آشنا به این موضوع گفت چین با ایران درباره این موضوع صحبت کرده است اما مشخص نیست تهران چقدر توصیه پکن را جدی گرفته است. دو مقام در دولت بین‌المللی یمن گفتند که از این موضوع آگاه هستند که چندین کشور از جمله چین به دنبال نفوذ در ایران برای مهار حوثی‌ها بوده‌اند. محمد عبدالسلام، سخنگوی حوثی‌ها، روز پنجشنبه گفت که ایران تا به امروز هیچ پیامی از چین در مورد کاهش حملات ارسال نکرده است. وی گفت: «آنها ما را از چنین درخواستی مطلع نخواهند کرد، به‌ویژه اینکه موضع اعلام‌شده ایران حمایت از یمن است. تهران حملات آمریکایی-انگلیسی به یمن را محکوم کرده و موضع یمن را محترم مانده و مسئولانه دانسته است. چهار منبع ایرانی گفتند مشخص نیست که آیا ایران در پی مذاکرات با پکن اقدامی انجام خواهد داد یا خیر.



شهاب شهسواری

خبرنگار گروه دیپلماسی

تلاش برای توسعه نفوذ منطقه‌ای یکی از نخستین ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران از دیدگاه دولت‌های خارجی و به‌ویژه کشورهای پیرامونی است. هر چند تلاش برای افزایش نفوذ در کشورهای همسایه و تلاش برای تعیین قدرت ایران در کشورهای منطقه مختص به جمهوری اسلامی نیست، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، این موضوع در دستور کار ایران قرار گرفت و به‌طور طبیعی با واکنش‌های قدرت‌های رقیب ایران نیز مواجه شد. از همان ابتدای پیروزی انقلاب، دولت‌های خودکامه منطقه با مشاهده پیروزی یک انقلاب مردمی در ایران و عزم ایران برای صدور آموزه‌های انقلاب اسلامی، به‌شدت نگران شدند مبادا نفوذ معنوی و مادی نظام جدید ایران در کشورهایشان باعث تکرار خیزش‌های مردمی مشابه شود و پایه‌های قدرت‌شان را سست کند. در طول چهار دهه گذشته، ایران هیچ‌گاه نتوانسته یا نتوانسته که رقبای منطقه‌ای خود را قانع کند که حضور و نفوذش در منطقه به معنای تهدیدی برای موجودیت آنها نیست.

اما تلاش‌های ایران برای نفوذ در منطقه تنها به شعار صدور انقلاب محدود نمی‌شد. بخشی از انقلابیون ایران از یک طرف خود را مدیون نهضت‌های آزادی‌بخش دیگر منطقه می‌دانستند و از سوی دیگر امیدوار بودند که موفقیت ایران را در مبارزه با «استکبار جهانی» در میان دیگر ملت‌ها نیز ترویج دهند. این ایده نه‌تنها در قالب تلاش‌های سیاسی و فرهنگی جریان داشت، بلکه از همان روزهای ابتدایی انقلاب اسلامی به تأسیس نهادهای نظامی هم‌بند شد که تلاش می‌کردند از جنبش‌های مقاومت در منطقه حمایت کنند. واحد جنبش‌های آزادی‌بخش در واحد نظامی تازه‌تأسیس پس از انقلاب ایران، یعنی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یکی از نخستین تلاش‌ها از این دست بود که اصلی‌ترین هدف این واحد کمک به مقاومت گروه‌های فلسطینی برای مبارزه با اشغالگری اسرائیل بود.

سال ۱۹۸۲ هم‌زمان با تهاجم نظامی اسرائیل به جنوب لبنان، ایران تعدادی از نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به سوریه فرستاد تا زمینه حمایت از نیروهای لبنانی در جنگ با اسرائیل را بررسی کند. هر چند این نیروها به سرعت با دستور رهبر انقلاب به تهران بازگردانده شدند، اما همین اقدام پایه‌گذار مسیری جدید در تلاش‌های ایران برای حضور در کشورهای منطقه غرب آسیا شد. محمدعلی سجستانی، دیپلمات بازنشسته که در زمان حمله اسرائیل به لبنان معاون سفیر وقت ایران در سوریه بود، در این مورد می‌گوید: «امام به آقای محتشمی‌پور گفت این نیروها را بازگردانید و به لبنانی‌ها آموزش بدهید که از خودشان دفاع کنند. همین جمله امام و بازگشت نیروها، باعث شد که حزب الله لبنان تشکیل شود.» حزب الله لبنان را می‌توان نخستین نیروی نظامی در منطقه توصیف کرد که با حمایت ایران تأسیس شد. با گذشت چهاردهه از تأسیس حزب الله، حمایت‌های ایران از گروه‌های نظامی و شبه‌نظامی در منطقه به شکل گسترده‌ای افزایش پیدا کرده است و علاوه بر لبنان و فلسطین به سوریه، یمن و عراق هم گسترش پیدا کرده است. نیروهای شبه‌نظامی که از سوی دولت‌های غربی و رقبای منطقه‌ای ایران «گروه‌های نیابتی» توصیف می‌شوند به یکی از اصلی‌ترین ابزارهای نفوذ ایران در منطقه تبدیل شده‌اند و باعث شده‌اند ایران در سراسر جغرافیای منطقه نفوذی برای خودش دست‌وپا کند.



داود غرایق زندی  
استاد روابط بین‌الملل:

جمهوری اسلامی  
هنوز نتوانسته است  
که رویکرد دقیق  
خود را انتخاب  
کند. نه در سطح  
دیپلماسی و نه  
در سطح میدان،  
ایران نتوانسته است  
تصمیم بگیرد که  
یک دولت-ملت  
مدرن است که  
تنها براساس منافع  
ملی واحد سیاسی  
خودش تصمیم  
می‌گیرد یا یک  
کشور انقلابی است  
که بر مبنای زمینه  
وسیع تر جهان اسلام  
یا غرب آسیا  
تصمیم‌گیری می‌کند

این نیروها پس از ظهور داعش کمک زیادی به ایران برای مبارزه با این گروه تروریستی انجام دادند. شکست داعش در منطقه با همکاری گروه‌های شبه‌نظامی محلی تحت حمایت ایران، یکی از موفقیت‌های مهم ایران در استفاده از نفوذ منطقه‌ای‌اش برای تأمین منافع و امنیت ملی و حتی امنیت منطقه بود اما برخی از تحلیل‌گران معتقدند ایران به دلایل گوناگون هنوز نتوانسته است به اندازه‌ای که سرمایه‌گذاری کرده است، منفعتش را دریافت کند. این دسته منتقدان می‌گویند ایران در جلب افکار عمومی کشورهای منطقه، گسترش نفوذ اقتصادی و افزایش سهم از بازارهای کشورهای محل نفوذش، وادار کردن کشورهای منطقه به همکاری و مشارکت با ایران و هم‌راستا کردن تصمیم‌های دولت‌های منطقه با منافع ایران، ناموفق بوده و این نفوذ تا به اینجای کار تقابل به همراه داشته و در برخی موارد، ایران را در معرض پرداخت هزینه‌های کلان بابت مواجهه با برخی قدرت‌های منطقه‌ای در کشورهای محل نفوذ قرار داده است. بنابراین به نظر می‌رسد که ایران چاره‌ای ندارد جز اینکه ضمن حفظ استراتژی گسترش نفوذ خود در منطقه، تغییراتی در تاکتیک‌های منطقه‌ای خود صورت دهد.

### نگاه افکار عمومی کشورهای منطقه به ایران

نظرسنجی‌هایی که در طول یک دهه گذشته منتشر شده است، نشان می‌دهد که نگاه به نفوذ منطقه‌ای ایران در بسیاری از کشورهای منطقه چندان مثبت نیست. نگاه شهروندان کشورهای عربی منطقه نسبت به ایران در طول دو دهه گذشته به شکل چشمگیری منفی‌تر شده است. سال ۲۰۱۲، یک سال پس از آغاز جنگ داخلی در سوریه، نگاه اکثریت قریب به اتفاق جمعیت‌های کشورهای غرب آسیا نسبت به حضور ایران در سوریه منفی بود. براساس نظرسنجی‌ای که مؤسسه افکارسنجی زاگیبی در سال ۲۰۱۳ منتشر کرد، از میان ۱۷ کشور عربی خاورمیانه و شمال آفریقا به اضافه ترکیه، پاکستان و جمهوری آذربایجان، تنها در لبنان و عراق بود که بیش از ۵۰ درصد پاسخ‌دهندگان نظر مثبتی نسبت به حضور ایران در سوریه داشتند. این در حالی است که در نظرسنجی دیگری که ۷ سال قبل زاگیبی در این کشورها انجام داده بود، اکثریت شهروندان مصر، اردن، کویت، مراکش، پاکستان، عربستان سعودی و امارات متحده عربی در خصوص بحران پرونده هسته‌ای، از ایران حمایت می‌کردند و معتقد بودند که برخلاف ادعای دولت‌های غربی و حتی دولت‌های متبوع‌شان، برنامه هسته‌ای ایران صلح‌آمیز است. هر چند این دو نظرسنجی در مورد دو موضوع مختلف انجام شده‌بود اما نشان می‌دهد، نگاه شهروندان غرب آسیا در طول سال‌های اخیر با گسترش نفوذ عملیاتی و نظامی ایران در منطقه به تدریج منفی‌تر شده است. سال ۲۰۲۲ مؤسسه گالوپ نظرسنجی دیگری را در کشورهای کویت، لیبی، اردن، پاکستان، مراکش، عراق، الجزایر، تونس، لبنان، افغانستان، یمن، سرزمین‌های فلسطینی و ترکیه انجام داد تا نظر افکار عمومی در مورد ایران و عربستان سعودی را با یکدیگر مقایسه کند. براساس این نظرسنجی در تمامی کشورهای مورد مطالعه، شهروندان نظر مثبت‌تری نسبت به حاکمان سعودی داشتند و تعداد کمتری نسبت به ایران نظر مثبت داشتند. تنها در پاکستان بود که بیش از نیمی از شهروندان در مورد جمهوری اسلامی ایران نظر مثبت اظهار کرده بودند، در حالی که در همین کشور ۸۳ درصد پاسخ‌دهندگان نسبت به عربستان سعودی اظهارنظر مثبت کرده بودند. این نظرسنجی مدعی می‌شد، در کشورهایی که ایران نفوذ بیشتری دارد، نظر منفی نسبت به سیاست‌های ایران بیشتر است. براساس نتایج این نظرسنجی در عراق ۸۶ درصد پاسخ‌دهندگان، در یمن ۸۰ درصد پاسخ‌دهندگان و در لبنان ۷۳ درصد پاسخ‌دهندگان دیدگاه منفی

نسبت به سیاست‌های ایران ابراز کرده بودند. داود غرایق زندی، استاد علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی، به هم‌میهن می‌گوید: «در برخی از کشورهای منطقه مانند لبنان و سوریه، بخش‌هایی از جمعیت از رویکرد سیاست‌های ایران حمایت می‌کنند اما این گرایش در مجموعه منطقه وجود ندارد. بخشی از مردم منطقه با رویکردهای ایران در خصوص فلسطین همراه هستند و معتقدند، دولت‌های عربی در طول دهه‌های گذشته کاری از پیش نبرده‌اند، اما این حمایت به معنای این نیست که این عده از شهروندان از نفوذ و حضور ایران در کشورهای عربی حمایت کنند و طرفدار حضور نظامی ایران در کشورهای منطقه باشند یا فناوری‌های هسته‌ای و موشکی ایران را بپسندند.» این استاد روابط بین‌الملل می‌گوید: «مجموعه پیچیدگی‌های رفتاری است که منطقه را شکل می‌دهد. هر چقدر که نظام‌های سیاسی توانایی مدیریت افکار خودشان را درون کشورهایشان داشته باشند، ایران وضعیت نامناسب‌تری در آن کشور دارد. در برابر هر اندازه که حاکمیت دولت‌های ضعیف‌تر باشد، در کشورهای مثل عراق، یمن یا سوریه، گرایش ایران به ورود به این کشورها و ارتباط گرفتن با بخش‌هایی از جامعه افزایش پیدا می‌کند.»

### همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه

ایران در طول چهار دهه گذشته کمتر موفق شده از نفوذ خود برای وادار کردن دیگر کشورهای منطقه به همکاری و مشارکت با ایران استفاده کند. به نظر می‌رسد هر بار پای ایران به یک کشور عربی باز می‌شود، رقبای منطقه‌ای از جای اینکه به منافع ایران در کشور میزبان احترام بگذارند و همکاری کنند، به سرعت واکنش منفی نشان می‌دهند و تلاش می‌کنند تا با ابزارهای نظامی و سیاسی یا نفوذ ایران مقابله کنند. داود غرایق زندی به هم‌میهن می‌گوید: «هر چند برخی کشورهای عربی در ظاهر با ایران همکاری نشان می‌دهند، اما در باطن راغب نیستند که ایران قدرت و نفوذ بیشتری در منطقه داشته باشد.» ایران هرگز نتوانسته است قدرت‌های منطقه‌ای دیگر را اقناع کند که نفوذش در کشورهای عربی به معنای تهدیدی برای آنها محسوب نمی‌شود. این مسئله فقط به سیاست‌های ایران مربوط نیست و به دیدگاه دولت‌های عربی نسبت به بافت و ترکیب قدرت در منطقه هم مربوط می‌شود. او ادامه می‌دهد: «دولت‌های عربی منطقه خیلی از حضور و نفوذ ایران در کشورهای عربی خاورمیانه راضی نیستند. کشورهای عربی معمولاً خاورمیانه را به دو بخش تقسیم می‌کنند: خاورمیانه عربی و خاورمیانه غیرعربی. از نگاه اعراب، اسرائیل، ترکیه و ایران خاورمیانه غیرعربی را تشکیل می‌دهند. دولت‌های عرب منطقه چندین تمایلی ندارند که سه دولت غیرعرب نفوذ زیادی در کشورهای خاورمیانه عربی داشته باشند.» حتی در مسئله فلسطین که دیدگاه‌های نسبتاً مشترکی میان ایران و تعدادی از کشورهای عربی منطقه دست‌کم در مورد اشغالگری اسرائیل و حق فلسطینیان برای داشتن یک کشور مستقل وجود دارد، میان تهران و پایتخت‌های مهم عربی اختلاف‌نظرهای جدی وجود دارد. غرایق زندی معتقد است: «دولت‌های عربی و در رأس آنها، عربستان سعودی، معتقدند مهم‌ترین مسئله منطقه مناقشه اسرائیل-فلسطین است که یک پرونده عربی محسوب می‌شود و کشورهای عربی می‌توانند آن را حل و فصل کنند. اعراب معتقدند، مداخله ایران در این پرونده باعث طولانی‌تر شدن آن شده است و تهران جلوی حل و فصل مسئله را گرفته است.»

### فقدان نفع اقتصادی از نفوذ

یکی از انتقادهای مهمی که به رویکرد ایران به نفوذ منطقه‌ای عنوان می‌شود، فقدان نقدشوندگی در دستاوردهای امنیتی و نظامی ایران در غرب آسیا و خاورمیانه در قالب امتیازهای اقتصادی است. هر چند تحلیل‌گران یک‌صدای باور دارند که موفقیت ایران در مبارزه با داعش توانسته است منافع امنیتی کشور را تا حدود زیادی تأمین کند، اما در عین حال منتقدان معتقدند، در حوزه‌های دیگر، ایران به نسبت سرمایه‌گذاری مستمر و وظیفی که در منطقه کرده، نتوانسته منافع امنیتی، اقتصادی و سیاسی کافی برای خود کسب کند و حتی در بسیاری موارد به دلیل مواجهه با قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی دچار

# تنهایی استراتژیک و چالش نفوذ فرامرزی

بررسی نفوذ منطقه‌ای ایران و دستاوردهایی که برای کشور داشته است

